

استثمار کارگران

از گاه مزدی

تا روز مزدی

ف. م. جواتشیر

فصل هفتم - دستمزد

۱- اشکال اساسی دستمزد

اشکالی که برای پرداخت دستمزد وجود دارد به پنهان کردن مناسبات بردگی سرمایه داری کمک می کند و درعین حال اهرمی برای تشدید بهره کشی در اختیار سرمایه دار قرار می دهد. اشکال اساسی دستمزد دو تاست:

ب - کارمزد

الف - گاه مزد

الف - گاه مزد

در این شکل، بهای نیروی کار برای مدت معینی که در آن کارگر خود را در اختیار سرمایه دار قرار می دهد، پرداخت می شود. مثلاً "دستمزد برای هر روز، هر هفته، هرماه پرداخت می گردد."

اما روشن است روزانه کار، می تواند متفاوت باشد، درازتر و یا کوتاه تر گردد. لذا زمانی می توان از میزان دستمزد تصور درستی به دست آورد که معلوم شود دستمزد روزانه، هفتگی و یا ماهانه در برابر چند ساعت کار، پرداخت شده است. مثلاً اگر مزد روزانه کارگری ۱۲۰ ریال باشد، بسته به این که روزانه کار او ۸ ساعت و یا ۹ ساعت باشد بهای هر ساعت مولد از کار او به ترتیب برابر خواهد بود با:

$$\frac{۱۲۰}{۹} = ۱۳/۳ \text{ ریال} \quad \text{و} \quad \frac{۱۲۰}{۸} = ۱۵ \text{ ریال}$$

مارکس بهای هر ساعت مولد کار را "بهای کار" می نامد و توجه می دهد که برای درک شدت بهره کشی از کارگر باید بهای کار را در نظر گرفت و نه دستمزد روزانه یا هفتگی را بدون ارتباط با روزانه کار. سرمایه دار ممکن است مزد روزانه کارگر را بالا برد ولی بر شدت بهره کشی از او بیفزاید. بدین ترتیب که روزانه کار او را درازتر کند و یا آهنگ کار او را تشدید نماید، به طوری که با وجود بالا رفتن مزد روزانه "بهای کار" کارگر (بهای هر ساعت مولد از کار کارگر) کاهش یابد.

در زمان ما در کشورهای پیشرفته سرمایه داری متداول ترین شکل گاه مزد، پرداخت مزد ساعتی است. علت این که این شیوه پرداخت متداول شده این است که اولاً بهره کشی سرمایه داری را از پیش پنهان می کند و ثانیاً- دست سرمایه دار را در مانور باز می گذارد. سرمایه دار می تواند کارگر را هر چند ساعت که لازم دارد به کار بگیرد. هر گاه کار داشت از کارگر بخواهد که ساعات زیادتری کار کند و اگر کار نداشت او را برای ساعات کمتری استخدام کند. هم اکنون در کشورهای سرمایه داری تعداد کثیری از کارگران نیمه بی کارند. یعنی به جای روزانه کامل، نصف روز یا کمتر کار می کنند و متناسب با ساعاتی که کار کرده اند نصف دستمزد روزانه و یا کمتر از آن دریافت می کنند. به عبارت دقیق تر نیمه گرسنه اند. اما در عین حال سرمایه داران بسیاری از کارگران خود را وادار می کنند که در

روز بیش از ۸ ساعت کارکنند. در این صورت در ظاهر مزد روزانه کارگر بالا می رود و او به طمع می افتد که مدت طولانی تری کار کند که در نتیجه بهای کار او پائین می آید.

ب - کارمزد

دومین شکل اساسی دستمزد کارمزد است. در این شکل سرمایه دار بسته به کمیت و کیفیت محصولی که کارگر تحویل می دهد دستمزد می پردازد. **کارمزد از نظر ماهیت تفاوتی با گاه مزد ندارد. شکل تغییر یافته آن است.** معمولاً هر دوی این اشکال در کنار هم در یک موسسه وجود دارند و سرمایه دار یکی از آن ها را جانشین دیگری می کند. در شکل کارمزد، دستمزد روزانه کارگر برابر است با مقدار محصولی که تحویل داده ضربدر مزدی که برای هر واحد محصول تعیین شده است. مثلاً اگر کارگر جوراب بافد برای بافتن هر جفت جوراب ۱۵ ریال دستمزد می گیرد و روزانه ۱۰ جفت جوراب می بافد- دستمزد روزانه او ۱۵۰ ریال خواهد بود. برای تعیین واحد مزد، یعنی مزدی که در برابر یک قطعه- مثلاً یک جفت جوراب پرداخت می شود، سرمایه داران دستمزد روزانه کارگر، یعنی ارزش نیروی کار را مینا قرار می دهند. برای هر قطعه چنان مزدی تعیین می کنند که دستمزد روزانه کارگر کارمزد مشابه دستمزد روزانه کارگران رشته های مشابه و یا حد متوسط مزد روزانه در جامعه مفروض باشد. وقتی مزد هر قطعه تعیین شد کارگران بسته به تعداد قطعاتی که تحویل می دهند دستمزد می گیرند و هر کس با شدت بیشتری کار کند دستمزد بیشتری می گیرد.

شکل کارمزد، هم از نظر پنهان کردن ماهیت استثمار سرمایه داری و هم از جهت امکاناتی که برای بالا بردن شدت آهنگ کار و تشدید بهره کشی در اختیار سرمایه دار می گذارد، مورد توجه خاص سرمایه داران است.

در شکل کارمزد، این ظاهر فریبنده که گویا دستمزد ارزش کارگران است، برجسته تر جلوه می کند و چنین می نماید که در واقع نیز کارگر هرچه بیشتر کار کند دستمزد بیشتری می گیرد و گویا وی ارزش کار خود را تمام و کمال دریافت می کند. در حالی که ماهیت امر همان است که در ابتدا گفتیم. کار مزد همان گاه مزد تغییر شکل یافته است.

کارمزد در قیاس با گاه مزد، مزایای زیر را نیز برای سرمایه دار در بردارد.

۱- کیفیت و کمیت کار کارگر به وسیله محصول کنترل می شود و دیگر نیازی نیست که تعداد کثیری از مراقبین بالای سر کارگر بایستند تا او کار کند. کارگر به خاطر دریافت دستمزد خویش مجبور است مقدار معینی محصول در روز تولید کند و این محصول صاحب کیفیت معین باشد (و گرنه پذیرفته نمی شود و یا در برابر کیفیت پست تر مزد کمتری می دهند).

۲- آهنگ کار شدت می یابد. کارگر به امید دریافت دستمزد بیشتر با حداکثر سرعت ممکن کار می کند و هر کس بسیار سریع کار کند برای مدتی دستمزد زیادتری می گیرد و همه می کوشند خود را به او برسانند. اما آنگاه که عده قابل ملاحظه ای به این سطح رسیدند، سرمایه دار مزد هر قطعه را پائین می آورد، تا دستمزد روزانه کار در سطح متوسط اجتماع مفروض باقی بماند. به این ترتیب تلاش کارگر که از راه تشدید آهنگ کار دستمزد بالاتری بگیرد نتیجه عکس می دهد. شدت کار بالا می رود، اما دستمزد روزانه ثابت می ماند. در نتیجه بهای کار- بهای هر ساعت کار مولد- پائین می آید بهره کشی تشدید می شود.

۳- کارمزد بین کارگران تفرقه می افکند. برخی از کارگران که جوان تر و فعال ترند لااقل در مدتی که چنین نیرویی دارند، دستمزد بیشتری می گیرند و بقیه در سطح متوسط می مانند و دستمزد پیران و فرسودگان و غیره بسیار پائین می آید. این تفاوت دستمزدها مبارزه مشترک کارگران را علیه سرمایه دار دشوار می سازد.

۴- شکل کارمزد به سرمایه دار امکان می دهد که روزانه کار کارگران را تمدید کند (با افزایش شدت کار)، از تعداد کارگرانش بکاهد و بر اثر آن بی کاری را تشدید کرده سطح دستمزدها را باز هم پائین بیاورد.

این نوع امتیازات سرمایه داران را تشویق می کند تا جایی که روند کار امکان می دهد از شکل کارمزد استفاده کنند و این شکل پرداخت مزد را پا به پای رشد سرمایه داری و صنعت بزرگ بیشتر به کار گیرند.

در کشور ما سال هاست که علاوه بر صنعت بزرگ، در صنایع دستی و سنتی و مانوفاکتور نوین نیز شکل پرداخت کارمزد بسیار متداول شده است. گزارشی از یک موسسه بسته بندی پسته طرز استفاده از کارمزد را در این گونه کارگاه های عقب مانده به خوبی نشان می دهد:

" در سالن پسته پاک کنی شرکت صادرات پسته کرمان، ۸۰ زن کارگر و برخی با کودکان قد و نیم قد دور تا دور نشسته اند. آن ها با ابزار مخصوص پست های کور را خندان می کنند. انگشتان این کارگران تندتر از دنده های یک ماشین خودکار می چرخد. با این حال اکثر آن ها نمی توانند در یک روز تمام وقت یک سره، از شش صبح تا شب بیش از بیست کیلو پسته خندان کنند، برای هر ۱۰ کیلو ۲۵ ریال دستمزد می دهند. مزد روزانه اغلب کارگران از ۵۰ ریال تجاوز نمی کند. تعداد انگشت شماری ۴۰ یا ۵۰ کیلو خندان می کنند و ۱۰۰ یا ۱۵۰ ریال می گیرند.

شرکت ابتدایی ترین ماشین آلات را برای رده بندی و پاک کردن پسته به کار گرفته است. سود شرکت سالانه از ۴۰۰ میلیون ریال می گذرد."^(۱)

در این مثال می توان بسیاری از واقعیت های تلخ رشد سرمایه داری را که تاکنون گفته ایم به چشم دید. از جمله:

- ۱- محدودیت کاربرد سرمایه داری ماشین زمانی که دستمزد ارزان است.
 - ۲- استفاده از کار زنان و کودکان.
 - ۳- استفاده از شیوه کارمزد برای تشدید آهنگ کار و پائین آوردن سطح دستمزدها
 - ۴- اجرا نشدن قانون کار و حداقل دستمزدها حتی در موسساتی که ده ها کارگر دارند.
- با وجود چنین سطح نازلی از دستمزد، بسیاری از صادرکنندگان خشکبار ایران دائماً شکایت دارند که کالای آن ها گران تمام می شود و قادر به رقابت در بازارهای بین المللی نیستند. آن ها مدعی اند که علت این امر در گرانی دستمزدهاست! درحالی که پیدایش چنین وضعی مربوط به مناسبات سرمایه داری ایران یا سرمایه داری انحصاری بین المللی و تاثیر غارتگری امپریالیستی است که به جای خود مورد بررسی قرار خواهیم داد.
- قوانین کار و بیمه های اجتماعی ایران بر این پایه تدوین شده است که کارمزد و گاه مزد همانندند. قانون بر مبنای گاه مزد تنظیم شده و در هر مورد مشخصی کارمزد را بر مبنای گاه مزد محاسبه کرده است. اما با توجه به این که کارگر کارمزد شدیدتر کار می کند و احتمالاً روزانه کار طولانی تری دارد، قانون کار نصف درآمد روزانه متوسط کارگر را مازد مزد ایام تعطیل قرار می دهد (به شرطی که کمتر از حداقل دستمزد نباشد).^(۱)

راه توده ۱۹۷ ۱۰،۲۰۰۸ ۱۳،

^(۱) روزنامه آیندگان. چهارم اسفند ۱۳۵۴

^(۱) قانون کار. ماده ۱۵. نقل از کتاب قانون کار و بیمه های اجتماعی. گردآورنده امین. ص ۱۱